

## حقوق « خواهان » و « خوانده »

در اسلام



جناب آقای محمودی

امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام در « رساله الحقوق » درباره حق خواهان و خوانده سخنان زیبایی دارد که به نقل و بررسی آنها میپردازیم و نخست ترجمه آزاد بیان آن حضرت را در باره « مدعی - خواهان » از کتاب تحف العقول<sup>(۱)</sup> میآوریم:

۱

### حقوق « خواهان »

- « و اما حق طرفی که بتو ادعا دارد اینست که :
- الف - دلیل او را نقض نکنی و دعوت او را ابطال ننمایی ،
- ب - و با خودت طرف شوی ،
- ج - و برای او حکم کنی ،
- د - و بی شهادت شهود گواه او باشی ، زیرا که این حق خدا است بر تو . »

(۱) تحف العقول تألیف ابی محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی ، از علمای قرن چهارم هجری ص ۲۷۴ - کتابفروشی اسلامیة ( با ترجمه فارسی ) ، شعبان ۱۳۸۴ هجری .

- « و اگر ادعای او باطل است :

الف - با او نرمش کنی ،

ب - و او را بترسانی ( از خدا ) ،

ج - و به دینش قسم بدهی ،

د - و با تذکر بخدا از تندى او بکاهی ،

ه - و پر و ناروا نگوئی که تجاوز ، دشمن را از تو برنگرداند بلکه به گناه او گرفتارشوی و شمشیر دشمنی او باین سبب بر تو تیز گردد ، زیرا سخن بد شرانگیز است و سخن خوب ، شربرانداز است و لا قوة الا بالله .»

اگر انسان یقین کند که سخنان پیشوایان معصوم ( ع ) ، نه اندرز و توصیه اخلاقی که باید تکلیف شمرده شود ، و نیز بداند که اجرای این دستورها حافظ حقوق او و مردمی است که با وی سروکار دارند ، کمتر مرتکب تخلف و گناه یا طرح دعوی بیمورد و شکایت بی جا در دادگاهها و یا در ادارات و سازمانهای دولتی میشود . و از اینراه نه تنها خود را به زحمت و رنج نمی اندازد بلکه وقت مأموران دولت را نیز ضایع نمیسازد ، تا آنها به کارهای اصلی و اساسی خود برسند و در پیشبرد اهداف اسلامی و ترقی و تعالی جامعه بهتر تلاش کنند .

براساس دستور امام سجاد ( ع ) اگر خواننده در مقابل « حق » خواهان ، تکلیف خود را بداند و به آن عمل کند طرفین نیازی در مراجعه به محاکم قضائی نخواهند دید . این امر در فعالیتهای اقتصادی جامعه نیز تأثیر بسزائی خواهد گذاشت و به رفاه و آسایش مردم کمک خواهد کرد .

پیرامون این موضوع میتوان به شواهد قرآنی و احادیث دیگر استناد کرد . خداوند میفرماید :

« ولا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و انتم تعلمون »<sup>۱</sup>

حق را باطل مپوشانید ، تا حق را کتمان کرده پنهان سازید ، در حالیکه به حقانیت آن آگاهید .

« ولا تکتبوا الشهادة و من یکتبها فانه اثم قلبه والله بما تاملون حلیم »<sup>۲</sup>

شهادت را کتمان نکنید که هر کس شهادت را کتمان کند البته به دل گناهکار است و ( باید بدانید که ) خداوند به آنچه میکیند ( پنهان باشد یا آشکار ) آگاه است .

این دو آیه با دو فعل نهی همراه است و هر مسلمانی میداند که ارتکاب هر عملی که از سوی خداوند « نهی » شده گناه کبیره است . بهمین جهت هر کس که بخواهد از خشم

خدا در امان باشد باید حق را به باطل نیامیزد و آنرا کتمان نکند و برای خدا به «حق» «شهادت» دهد، هرچند به زیان خودش میباشد. در این باره نیز خداوند میفرماید:

«یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولوعلی انفسکم او الوالدین والا قرین ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا وان تلووا او تعرضوا فان الله بما تعملون خبیراً»<sup>۱</sup>

ای ایمان آورندگان بیای دارندگان عدل و داد و گواهانی برای خدا باشید هر چند به زیان خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد و چه غنی یا فقیر باشید که خدا سزاوارتر است از شما بر این دو حال (و تبدیل فقر به غنی یا برعکس) پس شما در حکم و شهادت پیروی نفس نکنید، که نتوانید به عدالت رفتار کنید و اگر شهادت را تحریف کنید و یا اعراض نمائید خدا از آنچه میکنید با خبر است.

همچنین، درباره رعایت حقوق مردم و اقامه شهادت به حق، امام صادق علیه السلام

میفرماید:

«من یضمن لی اربعة باربعة ایات فی الجنة ؟ انفق ولا تخف فقراً و افش السلام

فی العالم و اترك المراء و ان كنت محقاً و انصف الناس من نفسك»<sup>۲</sup>

کیست که ضامن باشد برای انجام چهار کار در برابر چهارخانه در بهشت؟ انفاق کن و از فقر ترس، در جهان «سلام» را آشکار کن، نزاع و جدال را ترک کن گرچه حق با تو باشد، و میان خودت و مردم به انصاف رفتار کن.

در زمان طرح دعوی و به هنگام رسیدگی، و حتی قبل از این دو مرحله، هر گاه مدعی و مدعی علیه دو نکته پایان حدیث یعنی: «ترک مجادله و لجاج» و «رعایت انصاف هر چند به زیان خود را در نظر بگیرند و به آن عمل کنند، مشکل طرفین به سادگی حل خواهد شد و عمرگرا نمایه شان در راه شیطان «مراقعه» صرف نخواهد گردید.

## ۲

### تکلیف «خواننده» در دعوی باطل

در هر دعوائی که خواهان مطرح سازد دو صورت، بیشتر متصور نیست: یا به حق است یا به باطل. در صورتیکه دعوی مدعی حق باشد، وظیفه و تکلیف مدعی علیه (خواننده همان است که گفته شد. اکنون باید دید در زمانی که دعوی مطروحه باطل باشد، خواننده حسب الامر امام سجاد (ع) چه تکلیفی دارد؟ امام علیه السلام وظیفه برای خواننده برشمرده است:

- نرمش با خواهان ،
- ترسانیدن او از خداوند ( نه از خود ) ،
- قسم دادن مدعی ،
- یاد خدا کردن برای کاستن از تندی خواهان ،
- و ناروا و ناسزا نگفتن .

در این موارد نیز آیاتی از قرآن کریم را میآوریم :  
خداوند خطاب به پیامبر اکرم ( ص ) که الگو و اسوه نیکوی مسلمین است<sup>۱</sup> و همه باید از حضرتش پیروی کنند میفرماید :

«فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم في الأمر فإذا عزمت فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين»<sup>۲</sup>  
رحمت خداوند ترا با مردم مهربان و خوشخو گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو پراکنده میشدند ، پس چون امت بنادانی در باره تو بد کنند از آنان در گذر و از خدا برای آنان طلب آرزش کن و در کار ( جنگ ) با آنان مشورت نما، لیکن آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل به خداوند انجام ده ، که خداوند آنان را که بر او اعتماد کنند دوست میدارد.

خداوند برای پرهیز از ستمکاری و جلوگیری از حق کشی و باطل گرائی اشخاص از طریق :  
خدا را به یاد ایشان آوردن ، میفرماید :

وذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين»<sup>۳</sup>  
و است را تذکر و پند ده که ( اگر پند و یاد خدا کافران را سودمند نیفتد ) ،  
مؤمنان را سودمند میافتد .  
الابدكر الله تطمنن القلوب<sup>۴</sup>  
دل آرام گیرد ز نام خدای .

در باره خشم و تندی نکردن و پرخاش و ستیزه نمودن ، بلکه غضب خود را فرو خوردن و در زمره نیکوکاران قرار گرفتن و اجر و پاداش فراوان از خداوند یافتن ، میتوان از آیه ۱۳۴ ،  
سوره آل عمران استفاده کرد که میفرماید :

الذين ينفقون في السراء و الضراء و الكاظمين الغيظ و العاقين عن الناس و الله يحب المحسنين .

کسانی که از مال خود در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند و خشم و غضب خود را فرو نشانند و از بدی مردم درگذرند ( چنین سردی نیکوکارند ) و خداوند نیکوکاران را دوست میدارد .

( ۱ ) لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة ( احزاب - ۲۱ )

( ۲ ) آل عمران / ۱۵۹

( ۳ ) رعد / ۲۸

( ۴ ) ذاریات / ۵۵

نکته مهم دیگری که رعایتش در دعاوی ضرورت دارد، ناسزا نگفتن و فحاشی نکردن است زیرا فحاشی است که گاه بزرگترین جرمها مثل قتل نفس را بوجود میآورد، حتی با اطمینان کامل میتوان گفت بیشتر قتل‌های (غیرسیاسی) را تنها اولین فحاشی که یکی از طرفین منازعه به زبان آورده سبب شده است. بهمین جهت مجازات قذف و فحش ناموس دادن بموجب آیه ۴ سوره نور شدید، و هشتاد ضربه شلاق تعیین شده است و برای همیشه نیز شهادت ناسزاگو پذیرفته نمی‌شود. و پیامبر اکرم (ص) هم میفرماید:

ماکان الفحش فی شئی قط الا شانہ ولاکان الحیاء فی شئی قط الا زانه<sup>۱</sup>

ناسزاگوئی و بدزبانی در هر چه باشد آنرا خوار کند و حیا در هر چه باشد آنرا زینت دهد.

در نتیجه برای اینکه مدعی، دشمن نشود و خواسته خود را بیشتر نکند و یا کاریکه با گفتگوی ملایم و نرمش در کلام حل و فصل میشود به منازعه و خونریزی مبدل نگردد، خوانده باید از بدزبانی که خود گناه است پرهیزد و از گفتار باطل خواهان به خشم و غضب نیاید و اگر چنین حالتی بر وی دست دهد، خویشتن داری از خود نشان دهد که به فرموده رسول اکرم (ص) «نیرومندی به کشتی گرفتن نیست بلکه نیرومند کسی است که بهنگام خشم، خویشتن دار باشد»<sup>۲</sup>

### ۳

#### حقوق «خوانده»

امام سجاد (ع) درباره حقوق خوانده که باید خواهان رعایت کند چنین فرموده است:

«و اما حق ضرفیکه باو دعوی داری اینست که:

الف - اگر آنچه ادعا میکنی درست است در گفتگویی برای خروج از دعوی آرام باشی، زیرا ادعا در گوش طرف کوبندگی دارد،

ب - و دلیل خود را با نرمش باو بفهمانی،

ج - با مهلت و بیان روشن،

د - و لطف کامل،

ه - و بسبب ستیزگی او با قیل و قال، دست از دلیل خود برداری، تا دلیلت از دست برود و جبران آنرا نتوانی کرد، و لا قوه الا بالله.»

از بیان امام (ع) که میفرماید: «اگر آنچه ادعا میکنی درست است و پس از آن

(۱) نهج الفصاحه شماره / ۲۶۵۳

(۲) لیس الشدید بالصرعة انما الشدید الذی تملک نفسه عند الغضب، (نهج الفصاحه - رقم ۲۳۸۱)

تکالیف خواننده و حقوق خواهان را برشمرده پیداست که آن حضرت طرح دعوی باطل و خلاف حق را هرگز مجاز نمیداند. و حق و تکلیف را بر دعوی درست و موافق با واقع و حقیقت بار میفرماید. دیگر اینکه برخلاف معمول که هر کس «ذیحق» باشد او را مکلف نمی‌شمارند، بلکه بار سنگین تکلیف را بر عهده طرف مقابل وی می‌نهند، آنحضرت در هر دعوائی طرفین دعوی را به رعایت دستورهای اخلاقی، که قرآن کریم منشاء آنهاست، مکلف می‌شمارد و این امر از بزرگترین و نیکوترین مزایای «حقوق اسلام» بر دیگر حقوق متداوله جهان است. زیرا اگر افراد بشر خود را به رعایت دستورهای مذکور ملزم شمارند، برخلاف امروز که طرح دعاوی و ارتکاب جرائم در دنیا رو به افزایش است، این امور شدیداً رو به کاهش خواهد گذاشت و امنیت قضائی، و عدالت اجتماعی بهتر تأمین خواهد شد.

امام سجاد (ع) به صاحب حق که دلیل روشن همراه دارد توصیه میفرماید از قیل و قال دست بردارد و جنجال برپا نکند و با نرمی و ملایمت ادعای خود را در برابر خواننده مطرح سازد و به جای هر گونه پرگوئی و ستیزه‌جویی بر دلیل خود پافشاری کند<sup>۱</sup> زیرا اگر سخن به تندی و خشم گراید از قدرت دلیل و استحکام استدلال کاسته گردد و در چنین حالتی دعوی بدرازا میکشد و گاهی نتیجه معکوس میدهد.

قرآن کریم به دلیل و «بینه» که سبب هدایت انسان و تسلیم او به «حق» میشود اهمیت فراوان داده است. بینه و جمع آن «بینات» که صفت شبهه است ۷۱ بار در قرآن تکرار شده است و آنچه از ماده بیان و بینونة و تبیان مشتق شده است و در قرآن کریم آمده جمعاً ۲۵۷ بار میباشد و این عدد بزرگ بر اهمیت سخن همراه با دلیل و برهان دلالت دارد. آیاتی چند از این جمله بدین شرحند:

۱- هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین<sup>۲</sup>  
این (کتاب و آیات خدا) حجت و بیان است برای عموم مردم و راهنما و پندی برای پرهیزگاران.

۲- و نزلنا علیک التیاب تبیاناً لکل شیء<sup>۳</sup>  
و ما بر تو این قرآن را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند.

۳- لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من القی<sup>۴</sup>  
در دین اکراه و اجبار نیست زیرا راه رستگاری از بیراهه گمراهی، روشن و آشکار گشته است.

سعدی میگوید:

چاه است و راه و دیده بینا و آفتاب  
چندین چراغ دارد و بیراه میرود  
تا آدسی نگاه کند پیش پای خویش  
بگذار تا بیفتد و بیند سزای خویش

(۱) لایغلب من یتظهر بالحق (غررالحکم)، کسی که حق با اوست مغلوب نمی‌شود.

(۲) آل عمران / ۱۳۸ -

(۳) نحل / ۸۹

(۴) بقره / ۲۵۶

۴. لیهلک من هلهک عن بینة و یحیی من حی عن بینة<sup>۱</sup>

تا آنها که گمراه و هلاک میشوند از روی دلیل و حجت روشن باشد و آنها که زنده و هدایت میشوند از روی دلیل روشن باشد.

اسلام دین عقل و منطق است و با حجت و برهان و دلایل روشن ( آیات بینات ) انسان را به سوی هدف بزرگ و عالی او که خداوند برایش مقرر فرموده ، راهنمایی میکند و در نظام زندگی انسانی این سنت را قرار داده است که هر کار و یا هر خواسته و نظری مبتنی بر دلیل و حجت روشن باشد . شخص منصف و با وجدان را قانع سازد و به پذیرش آن تن در دهد . تاریخ بشری نیز ثابت کرده که در طول زمانها فقط منکرین و معاندین دشمنان « بینات » بوده‌اند ، نه اشخاص با انصاف که با پذیرفتن بینة و دلیل نقاط تاریک ذهن خود را روشن می‌سازند .

حق دیگری که خواهان باید برای خوانده ملحوظ دارد و رعایت نماید « مهلت دادن » است تا او بتواند در فرصتی که بوی داده میشود ، بیندیشد و درباره عاقبت کار و یا تسلیم « مدعی به » تصمیم بگیرد و ضمناً از حسن رفتار و « لطف کامل » و مدارای خواهان ، احساس شرساری کرده و در نتیجه خود را به رعایت حقوق او مکلف بداند که امیرالمؤمنین علی (ع) میفرماید :

دارالناس تستمتع باخائهم ، و الفهم بالبشر تبت اضغانهم<sup>۲</sup>

با مردم مدارا کن تا از برادریشان بهره‌گیری ، و با خوشروئی با آنان دیدار کن تا کینه ایشان را بمرانی .

لزوم رعایت حقوق مردم و اهمیت فراوانی که این حقوق در پیشگاه اسلام دارد ، از این سخن بلند امام علی (ع) آشکار میگردد که میفرماید :

جعل الله سبحانه حقوق عباده مقدمة لحقوقه فمن قام لحقوق عباده الله كان ذلك موديا الى القيام بحقوق الله .

خداوند سبحان حقوق بندگانش را مقدمه بر حقوق خود قرار داده ، پس هر کس برای ادای حقوق بندگان خدا قیام کند این کار او را به قیام بر ادای حقوق خداوند وادار مینماید .

خداوندا ما را به رعایت حقوق مردم که مقدمه حقوق توست موفق بدار .

\*\*

\*